

«فرهخیستان» بزرگ ترین نمایش خیابانی این روزها را بررسی می کند

رسول ترک تئاتر شد



عاطفه جعفری

روزنامه‌نگار

قرار است در فضایی باز به مترائ سه هزار متر نمایشی را اجرا کنند. تجربه اجراهای قبلی مثل این نمایش را داشتند، اما خب این اجرا سخت تر است، با تعداد تماشگر بیشتر و دکورهای سنگین و حدود ۱۷۰ هنرور. همه اینها نشان از این دارد که یک نمایش خاص قرار است اجرا شود. نمایش «رسول» کاری از سعید اسماعیلی است که به‌عنوان بزرگ ترین نمایش میدانی ایران قرار است اجرا شود. حمیدرضا نعیمی در نقش «رسول دادخواه خیابانی» به‌عنوان یکی از بازیگران اصلی این نمایش است و این نمایش‌نامه براساس داستان باران فصل پنجم محمد سادات‌ا‌خوی نوشته شده و به‌عنوان مشاور کارگردان در این نمایش میدانی حضور دارد. سعید اسماعیلی که پیش از این اجرای نمایش‌های میدانی دیگری را کارگردانی کرده، نمایش «رسول» را که یک درام اجتماعی است در فضای تاریخی دوران پهلوی اول روی صحنه می‌برد. در این نمایش که هنروران زیادی حضور دارند، علاوه‌بر نعیمی، حبیب دهقان نسب و کاظم هژیرآزاد نیز ایفای نقش می‌کنند. از دیگر بازیگران این نمایش می‌توان به مسعود رحیم‌پور، پژمان کاشفی، علی پاکزاد، رضا جهانی، سعید مردی، هاشم آذرخوا، بهزاد ابراهیمی و بهار کریم‌زاده اشاره کرد. نمایش «رسول» را گروه نمایشی «فصل شیدایی» که پیش از این در تهران و ۱۲ استان دیگر روی صحنه رفت، اجرا خواهند کرد و از نظر تعداد بازیگر یکی از پرتعدادترین نمایش‌ها در زمینه حضور بازیگران است. میزبان این اثر نمایشی منطقه فرهنگی و گردشگری عباس‌آباد است. نمایش «رسول» قرار است همزمان با اربعین حسینی آغاز شود و تا پایان ماه صفر هر شب در این منطقه اجرا خواهد داشت.

دیدگاه

طراحی دکور برای صحنه نمایشی ۳ هزار متر مربعی



طراحی صحنه و ساخت دکور نمایش میدانی «رسول» در سه بخش تهران و تبریز قدیم و کربلای دهم محرم سال ۶۱ هجری در سه هزار متر مربع در منطقه عباس‌آباد انجام گرفت. آنه محمدابری طراح صحنه نمایش «رسول» است که این روزها به همراه گروه ۳۰ نفری خود مشغول ساخت دکور این نمایش است. محمدابری درباره دکور و لوکشین این نمایش می‌گوید: «لوکیشن ۱۲ هزار مترمربع است، از این فضای بزرگ نمایشی که شامل صحنه و جایگاه تماشاگران است، سه هزار متر مربع به صحنه نمایش اختصاص دارد و در مجموع ما سه بخش را طراحی کرده و به مرحله اجرا می‌رسانیم. بخشی از طراحی صحنه نمایش «رسول» در تهران قدیم رخ می‌دهد که در این راستا حرم امام‌زاده نصیرالدین، تکیه قنات‌آباد و بخشی از بازار را طراحی کرده و ساخته‌ایم که درست فضای سال ۱۳۱۰ هجری شمسی را تداعی می‌کند. بخش دیگر شهر تبریز است که در تبریز خیابان‌های سال ۱۲۸۰ مدنظرلرمان بود که این خیابان‌ها را در صحنه نمایش ساخته‌ایم. بخش سوم هم اردوگاه امام حسین (ع) در کربلا است و به نوعی واقعه محرم ۶۱ هجری را روی صحنه بازآفرینی کرده‌ایم. داستان «رسول» در این سه لوکیشن روایت خواهد شد. دکور را در طول دو ماه طراحی کردم و ۴۵ روز به مرحله اجرا رساندیم و در این مقطع زمانی ۳۰ متخصص ازخطاطان، گرافیست‌ها، آهنگران و حجم کاران با ما همکاری داشتند. برخی از دکورهای نمایش، متحرک هستند و قابلیت جابه‌جایی دارند مانند زندان قصر و برخی نیز به‌گونه‌ای ساخته شده که می‌تواند به مدت زیاد در همان صحنه باقی بماند و محلی برای بازدید عموم باشد.

سعید اسماعیلی تاکنون کارگردانی چندنمایش خیابانی بزرگ را به عهده داشته است. ازجمله آنها می‌توان به «فصل شیدایی» اشاره کرد؛ به بهانه نمایش «رسول» به سراغ او رفتیم تا از چگونگی اجرای این نمایش بگویید.

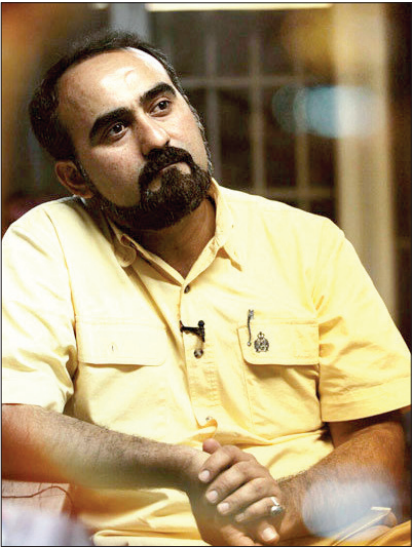
۱۱۱

چه شد که برای نمایش میدانی جدید خود روایت قصه «رسول دادخواه خیابانی» را انتخاب کردید؟

حتما اطلاع دارید، پیش از این کار، کارهای میدانی زیادی در کل کشور اجرا می‌کردیم که تجربه تقریبا جدیدی بود، از این لحاظ که یک گروه به این بزرگی قرار بود در کل کشور و بغضا در استان‌هایی که محروم و ضعیف بودند، اجرا داشته باشد، ازجمله در شهرهای یزد، شیراز، شهرکرد، خرم‌آباد، بندر ابوموسی، بوشهر، شاهرود و... این کار به اجرا درآمد و با استقبال خیلی فراوانی روبه‌رو شد. «فصل شیدایی» را متوسط ۸۰۰ تا ۹۰۰ نفر می‌آمدند و می‌دیدند. بنابراین هم برای ما و هم برای خود مردم استان‌ها خیلی جذاب و تاثیرگذار بود. تااینکه عزیزان منطقه گردشگری عباس‌آباد با ما وارد مذاکره شدند که برای ایام اربعین کاری را انجام دهیم که «فصل شیدایی» هم نباشد و ما از این موضوع استقبال کردیم و پذیرفتیم. چون فرصت خیلی کم بود با سرعت به این نتیجه رسیدیم که اگر یک قصه را روایت کنیم، هم تجربه جدیدی است و هم می‌تواند به خاطر این تجربه جدید بودن جذاب باشد. بنابراین یک چیزی از سال‌ها در ذهنم بود، آن هم قصه مرحوم رسول دادخواه خیابانی است که این فرد به‌خصوص در تبریز خیلی معروف است. تصمیم گرفتیم که روایت تحول و زندگی این شخصیت را کار کنیم. به حمیدرضا نعیمی که از خیلی پیش تراها دوست بودیم و او قبل نیز کارهایی با هم انجام داده بودیم، پیشنهاد دادم و وقتی قصه را شنیدیم خیلی برایش جذاب بود. ایشان هم با سرعت ظرف ۲۵ روز این کار را نوشتند و همزمان با نوشتنش، خیلی وقت‌ها جلسات خیلی فشرده دورخوانی شروع می‌شد و پروژه در عرض دو ماه‌ونیم شکل گرفت. به لطف خدا از فردا شب اجرای ما با ظرفیتی حدود ۵۰۰۰ نفر شروع می‌شود.

اصل نمایش براساس داستانی بود که آقای سادات‌اخوی نوشته بود؟

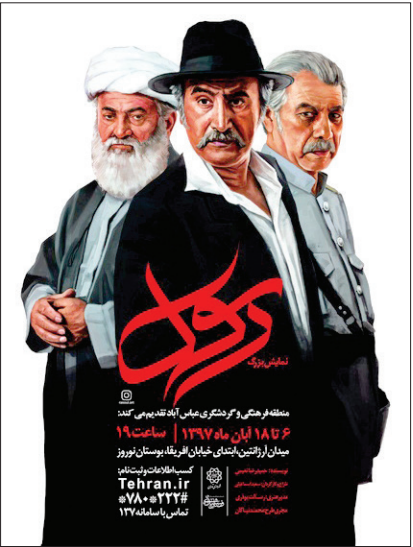
نه این‌طور نیست. ابتدای کار از آقای سادات‌اخوی که از دوستان خیلی خوب ما هستند، خواش کردیم که این



سوژه را کار کنند. جلسات متعدد و طولانی با هم داشتیم و ایشان قبول زحمت کردند و داستان «اسم باران فصل دیگر» را نوشتند. ولی رفته‌رفته به این نتیجه رسیدیم که برای تبدیل شدن به این مدیوم نمایشی احتیاج به بازنگری دارد. به‌خاطر بزرگی این حجم کار نمایشی و محدودیت‌ها و معضولیت‌هایش به این نتیجه رسیدیم که یک نگاه دیگر و یک نگارش دیگری هم انجام شود. بنابراین آقای نعیمی دعوت به کار شدند و سوژه را نوشتند و این اتفاقی که در نمایش خواهید دید براساس نوشته آقای نعیمی است.

این نمایش به دلیل داشتن هنرور زیاد و اینکه در فضای خیلی بزرگی قرار است اجرا شود، مطمئنا سختی‌های زیادی داشته، با توجه به سابقهای که از قبل داشتید، آماده‌سازی این نمایش سخت نبود؟

بله. اولاً سختی‌اش به این دلیل بود که یک قصه متصل را کار می‌کنیم و در فرم قبلی اگر دیده باشید، ما قصه‌های متفاوتی را داشتیم که در حدفاصلش، به روایت آقای رسالت بودری قصه‌ها هم به یکدیگر ارتباط داده می‌شد. ولی این تجربه، تجربه بسیار متفاوتی است، هم برای ما و هم برای مردمی که از ما این سبابقه را دارند. خیلی سخت بود، چرا که قرار است حدود ۸۵ دقیقه قصه‌ای ببینیم با محوریت یک قهرمان. دومین موردی که سخت به نظر می‌رسید، برای بازیگران بود.



در این کار حدود ۱۵ نفر از بازیگران خیلی خوب تئاتر حضور دارند، ازجمله آقای حبیب دهقان نسب و کاظم هژیرآزاد و نعیمی و بقیه دوستان من که از بچه‌های درجه یک تئاتر هستند؛ علاوه‌بر این تیم، حدود ۱۰۰ نفر هنرور قرار است این کار را اجرا کنند. این تیم هم با این فضای نمایشی آشنا نبود، و روزهای اول، ترسیم کار برای آنها که در این فضای به این بزرگی برای ۵۰۰ نفر این نمایش را بازی کنند، خیلی دشوار بود تا اینکه خودشان را آداپته کردند. تصور اینکه ۵۰۰ نفر چطور کار نمایشی را می‌توانند ببینند، تا وقتی در آن شرایط قرار نگیرند، سخت است. هم برای تیم نمایشی خیلی سخت بود و هم برای تیم فنی به دلیل اینکه با این کارها خیلی عجین نشده بودند. پرده‌های نمایشی مان در تجربه‌های گذشته، دوست خویم آقای بودری وقت را طوری کنترل می‌کردند که پشت صحنه بتواند پروداکشن را فراهم کند ولی اینجا، این مجال فراهم نشد و همه چیز با سرعت پیش رفت. حتی دکور بزرگ نمایش که به قول دوستان بازیگر یک شهرک سینمایی در اینجا فراهم شده است.

دکور هم در این نوع نمایش خیلی موثر است؟

بله، خیلی موثر است. آقای محمد ابری از بچه‌های خوب و فعال تیم، در حدود ۴۰ تا ۴۵ روز دکور را علم کردند و برای همه تیم این تجربه و نگاه جدید خیلی سخت بود، البته مطمئن

هستم که برای مخاطبان جذاب است، چون یک قصه‌سرراست و در عین حال شیرین و جذاب را می‌بینند و به نظر می‌رسد در این شب‌هایی که تمرین کردیم و کسانی که آمدند و نمایش را دیدند، برایشان جذاب و همچنین تاثیرگذار بوده و امیدوارم برای مردم هم تاثیرگذار باشد. عوامل هم، دست‌به‌دست هم دادند و چنین کار بزرگی شکل گرفت. ازجمله تیم هنرور این نمایش که کلاه مخملی‌هایی معروف هستند و در فیلم‌های مختلف سینمایی حضور داشتند. رضا حدیری که طراح نور بسیار خوبی است و کارهای بزرگی هم در تالار وحدت طراحی کرده‌اند. رضاترکمن افکتور معروفی در سینما هستند که ایشان اسپشلیا کار را انجام می‌دهد. محمد نیاکان از سینمایی‌های خیلی خوب مجری طرح این نمایش است و رسالت بودری که در این کار مدیر هنری پروژه هستند. در کل تلاش شده همه خوبان و همه کسانی که در این عرصه کار کردند، کنار هم باشند تا محصول خوبی را ارائه دهند.

چند شب اجرا دارید؟

ان‌شاء‌الله از ۶ آبان اجراهایمان شروع می‌شود و ۱۲ شب ادامه خواهد داشت.

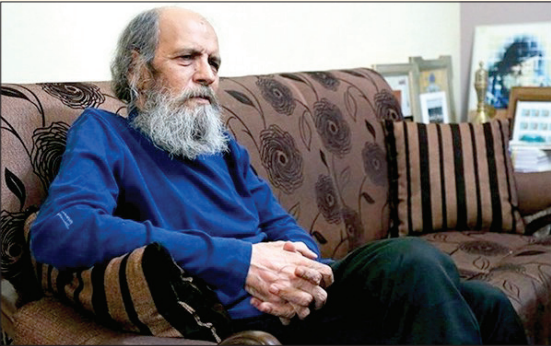
فکر می‌کنید استقبال به چه صورت باشد؟

با سابقه‌ای که در باغ موزه دفاع مقدس و هم در ابتدای جاده لشکرک داشتیم و استقبال هم خوب بود، مطمئنا برای این نمایش هم همین اتفاق خواهد افتاد؛ ما حتی تجربه بازی در برف هم داشتیم که حتی مردم زیر برف نشنستند و نمایش را دیدند. اولین سالی که «فصل شیدایی» اجرا شد، در شهرکرد به عینه می‌دیدم که مردم با پتو نمایش را می‌دیدند به دلیل اینکه کار برایشان جذاب بود، بالاخره سختی حمل و نقل پتو و... را تحمل می‌کردند و می‌آمدند. امیدوارم که جو و هوا با ما مهربان‌تر باشد و استقبال هم خوب باشد.

کمی هم از تجربه اجرای تئاتر در پیاده‌روی اربعین برایمان بگویید.

سه سال در بین مسیر نجف به کربلا اجرا داشتیم و آن هم تجربه خیلی جذابی بود و روزی ۵ تا ۶ نوبت به مدت ۱۰ روز اجرا داشتیم و خیلی تجربه فوق‌العاده‌ای بود. امسال قسمت نشد که آنجا تئاتر داشته باشیم. تجربه حضور در این پیاده‌روی عظیم مطمئنا قابل مقایسه با هیچ جای دیگری نیست.

گلایه احمدجو از ساخت یک دانشگاه در تهران



ام‌الله احمدجو در گفت‌وگو با «آنا» با اشاره به اقدام دانشگاه آزاد اسلامی در تاسیس دانشگاه هنرهای اسلامی - ایرانی استاد فرشچیان گفت: «اینکه نهادی فرهنگی و آموزشی را با نام آقای فرشچیان بشناسیم، کار فشنگی است. من زمانی که نام هنرمند قابل‌ای را روی سردر برخی از بناهای فرهنگی ازجمله دانشگاه می‌بینم، خیلی خوشحال می‌شوم.» این فیلمنامه‌نویس و کارگردان تلویزیون با اعلام این مطلب که کاش دانشگاه استاد فرشچیان در شهر اصفهان که زادگاه ایشان است مستقر می‌شد، اظهار کرد: «ان‌شاء‌الله عناوینی مثل نصف جهان، پایتخت هنر و پایتخت فرهنگی و از این حرف‌ها در حد تعارف نباشد! الان بیشتر دانشگاه‌های مهم هنری در تهران است، فیلمسازی، مرکزیتش در تهران است. در حوزه تئاتر، اصفهان با این همه‌عقبه‌ای که دارد و جوان‌های مستعدی که اکنون دارند کار می‌کنند، با کمبود سالن نمایش مواجه‌اند؛ یعنی اکنون ما به سالن‌ساز و سرمایه‌گذار احتیاج داریم. البته از یک منظر خبر خوبی است و درواقع یک مزهه است که نشان می‌دهد مردم حتی در این شرایط اقتصادی باز هم به تماشای تئاتر گرایش دارند.» کارگردان سریال «روزی‌روزاری» افزود: «در باره دانشگاه‌های اسلامی - ایرانی، سوال اینجاست که چرا تهران؟ این همه شهرهای فرهنگی در کشور هست. حالا اصفهان نشد؛ شیراز، تبریز، کرمان، مشهد و... به هر حال اقدام خوبی است.»

۲ برادر، سر شاخه شبکه اصلی قاچاق کتاب در ایران



اقدامات اخیر کمیته صیانت اتحادیه ناشران در مبارزه با قاچاق کتاب، موجب وارد آمدن ضربه‌های سختی به یکی از شبکه‌های بزرگو گسترده قاچاق کتاب‌شده است. «مهر» مدعی شده که این شبکه قاچاق کتاب متعلق به دو برادر است که سال‌هاست در کار قاچاق و تکثیر غیرقانونی کتاب هستند. شبکه این دو برادر با همکاری کمیته صیانت اتحادیه ناشران و پلیس امنیت شناسایی شده و تاکنون پنج انبار غیرقانونی متعلق به آنها توقیف‌شده است. طی عملیات‌هایی که هفته گذشته علیه این شبکه انجام شد، چند میلیون جلد کتاب به ارزش حدود ۲۰ میلیارد تومان توقیف شد که از نظر موضوعی به چند دسته تقسیم می‌شوند. یکی از حاضران در عملیات توقیف این انبارها که از کتاب‌های توقیف‌شده بازدید کرده می‌گوید تعداد زیادی از این کتاب‌ها، نسخه‌های قاچاق چندعنوان پرفروش ناشران بزرگ کشور هستند. توضیح بیشتر آنکه هر سال تعداد محدودی از عناوین ناشران بزرگ، تبدیل به کتاب‌های پرفروش می‌شوند که این شبکه با چاپ نسخه‌های قاچاق آنها، سود عجیبی به جیب می‌زد. نکته مهم دیگر درباره این شبکه غیرقانونی اینکه ۸۵۰ دستفروش کتاب را تغذیه می‌کرده است. مدیران این شبکه غیرقانونی پیش از این یک‌بار دستگیر شده بودند. این دستگیری به خاطر چاپ و عرضه نسخه‌های غیرقانونی کتاب «انسان خردمند» بود که نسخه اصلی‌اش توسط نشر نو چاپ شده است.

پیشنهاد پخش سریال جنجالی از شبکه نمایش خانگی



مجموعه تلویزیونی «سرزمین کهن» به کارگردانی کمال تبریزی، سوم بهمن سال ۹۲ روی آنتن شبکه سه سیما رفت ولی پس از نمایش تنها چهار قسمت از «سرزمین کهن»، پخش سریال به دلیل اعتراضات گسترده برخی از نمایندگان مجلس به دیالوگ‌های این مجموعه تلویزیونی متوقف شد. کمال تبریزی به تازگی در گفت‌وگو با «ایسنا» در پاسخ به اینکه آیا آمیدی به پخش سریال «سرزمین کهن» دارد؟ گفت: «در مورد «سرزمین کهن» ظاهرا مدیران تلویزیون همچنان مشغول رایزنی برای پخش آن هستند؛ ولی به نظر من نتیجه لازم را به دلایل واضحی نخواهند گرفت و بهترین گزینه برای پخش این سریال استثنایی در حوزه سیما، شبکه نمایش خانگی است که سوءتفاهمات را برطرف می‌کند و پس از آن فازهای دوم و سوم می‌تواند از سیما پخش و ادامه پیدا کند.» این کارگردان پرکار سینمای ایران در پاسخ به سوالی مبنی بر اینکه آیا فیلمی بوده که آرزوی ساخت آن را داشته باشد اما آن را نساخته است؟ گفت: «خیلی تمایل داشتم که سه نوشته ویژه را به فیلم برگردانم یکی از آنها رمان زیبایی حبیب احمدزاده است به نام «شطرنج با ماشین قیامت»، دوم فیلمنامه دقیق و متفاوت آقای محمدرضا گوهری درباره شهید حسن باقری است و سومی هم فیلمنامه «وقتی که موسی گریست» نوشته زیبایی آقای گوهری است که هیچ وقت به مرحله تولید نرسید!»

صحنه این روزها از تئاتر واقعی دور مانده است



«مهدی سلطانی» در گفت‌وگویی با اشاره به حضور خود در نمایش «شاه لیر» گفت: «پس از «خاطرات و کابوس‌های یک جامة دار» در سال ۹۴، نزدیک به سه سال در نمایشی حضور نیافتم و زمان آن رسیده بود که دوباره روی صحنه تئاتر برگردم. خوشبختانه در وقتی مناسب با پیشنهاد مسعود دلخواه برای بازی در نقش «لیر» مواجه شدم که شخصیتی پیچیده و چالش برانگیز است.» سلطانی درباره روند تمرینات نمایش «شاه لیر» گفت: «تمرینات این اثر از چند ماه قبل با گروه گر موسیقی و جمعی از بازیگران آغاز شده و زمان زیادی از حضور من در آن نمی‌گذرد؛ اما در همین مدت کوتاه، شاهد روندی خوب و روبه‌شد بوده‌ام که ادامه آن به اجرایی دیدنی و پرمخاطب خواهد رسید.» بازیگر سریال «پدر» و «شهرزاد» با اشاره به اشتیاق خود برای بازی در اثری فاخر از نویسنده بزرگ گفت: «هملت»، «مکبث» و «شاه لیر» شاهکارهای تراژیک سه گانه شکسپیر هستند که نمایش‌نامه «شاه لیر» از دواثر دیگر پیچیده‌تر بوده و فرصت خوبی برای حضور در چالشی جذاب است.» بازیگر سابقه تئاتر، سینما و تلویزیون با اشاره به حضور مجددش در عرصه تئاتر گفت: «از این حضور بسیار خرسندم؛ زیرا احساس می‌کنم صحنه نمایش این روزها از تئاتر واقعی به دور مانده است و «شاه لیر» با هدایت مسعود دلخواه، یک اثر تئاتری به معنای واقعی کلمه است.»